



ACCIDENTAL MARK

مترجم: @ItsHuaXie

این ترجمه متعلق به سایت مای انیمه و مترجم اصلی می باشد؛

کپی و نشر آن به هر نحوی، حتی با ذکر منبع ممنوع است!

فقط و فقط فایل اصلی را از مای انیمه دریافت و اخبار را از مترجم اصلی کنید.

فصل هفتاد و یکم

لحظه ای که نتایج اعلام شد، فقط کاربران نبودند که شگفت زده شدند. رؤسای پلتفرم‌های دیگر، سرمایه‌گذاران و بازیگران دراماهای رسمی نیز احساس ناباوری داشتند! این یک فقط درامای کوتاه مدرسه ای 20 قسمتی بود که پس از اعلام پروژه هیچ سر و صدایی نداشت. در طول فیلمبرداری، هیچ جست و جوی داغی در موردش وجود نداشت و بازیگران اصلی، بازیگران ردیف هجدهمی بودند که هنوز ناشناخته بودند... چگونه می‌توانست از دراماهای بزرگ رسمی پر ستاره پیشی بگیرد؟

خیلی‌ها حدس می‌زدند که:

«داده‌ها و بازدیداشون جعلی‌ان، رتبه اشون و خریدن. درسته؟»

«آره حتما با استفاده از پول بالا رفتن. 20 قسمت خیلی کمه. اگه یه گروه استخدام کنن که

ده‌ها بار روش کلیک کنه، واچ تایمشون بالا نمیره؟»

طرفداران دراماهای دیگر ترش کردند¹ و حتی به اکانت رسمی ویبویشان رفتند تا آنها را سرزنش کنند.

¹ حسادت کردن

[جعل داده‌ها دیگه زیاده رویه!]

پی شاوزه از کسی نخواستہ بود کہ رتبہ‌اشان را بالا ببرد. اوریگامی می‌تواند در یک روز خاص به صدها میلیون بازدید برسد زیرا بسیاری از بینندگان از تماشای آن احساس خوبی داشتند. آنها آن را دوبارہ تماشا می‌کردند یا حساب خود را به اقوام و دوستان برای تماشایش قرض می‌دادند. به همین علت، بخشی از حجم پخش واقعاً بازدیدهای تکراری بود.

با این حال، چیزی کہ نمی‌توان نادیدہ گرفت، این بود کہ تعداد بازدیدهای جدید برای اوریگامی نیز بسیار چشمگیر بود.

آقای لیو می‌خواست پی شاوزه را در آغوش بگیرد و گریه کند. در واقع او هنگام خرید این دراما با فشار زیادی روبرو شدہ بود. او فقط معاون مدیر مسئول تہیہ دراما های جدید برای پلتفرم بود. اگر نتیجہ خوب نبود، توضیح دادن به مدیریت شرکت برای او سخت بود. اکنون عملکرد اوریگامی فراتر از انتظارات همه بود. تنها پنج روز پس از اتمام آن، مبلغ سود به 30 میلیون رسیدہ بود!

30 میلیون! بسیاری از فیلم‌های کوتاہ مجبور بودند تمام تابستان پخش شوند تا به این میزان درآمد برسند. در حالی کہ اوریگامی این کار را در پنج روز پس از پایان پخش آن انجام داد! همکاریش بخش داده سوابق را به او نشان داد و او بلافاصلہ با پی شاوزه تماس گرفت، باورش نمی‌شد. «به طور کلی، اوریگامی ما خیلی قویہ. در حال حاضر بیش از شیش میلیون بینندہ در حال خرید 10 قسمت آخر هستن و بک‌اند به 30 میلیون یوان رسیدہ!»

بر اساس نسبت سهم سود، پی شاوزه هزینه سرمایه گذاری خود را جبران کرده بود و 2 میلیون یوان سود هم به دست آورده بود.

سرمایه گذاران زیادی در این صنعت وجود نداشتند که بتوانند هزینه سرمایه گذاری را جبران کنند و از اولین سرمایه گذاری خود درآمد کسب کنند. بسیاری از سرمایه‌گذارانی که اولین درامای خود را منتشر می‌کنند، همه سرمایه‌اشان از دست می‌دهند. آقای لیو با هیجان فکر کرد که برداشت اولیه او واقعا درست است. پیش از این، هنگام صحبت با پی شاوزه، او با نگاه آرام و مطمئن این مرد متقاعد شد و مدل بی‌سابقه «سهم سود باکس آفیس» را امضا کرد.

او فکر می‌کرد که پی شاوزه نیز هیجان‌زده خواهد شد. اما مرد پشت تلفن هم همچنان آرام بود. «هم... من داده‌ها رو بررسی کردم. ترافیک تعطیلات تابستانی امسال نسبت به سال گذشته حدود 10 درصد بیشتره. بعد از پایان پخش سه دراماهای "گل‌ها در آینه" و ماه منعکس شده در دریاچه"، "نخبگان سرمایه‌گذار" و "پروژه ژنتیک" جریان عظیمی از بیننده‌ها سمت اورینگامی ما میان و درآمد این دراما چند بار دیگه هم افزایش پیدا می‌کنه.»

«چند برابر دیگه می‌شه اون و افزایش داد؟» آقای لیو با شنیدن این حرف ابرویی بالا انداخت و لبخند زد. «رئیس پی، اینترنت ما رو به خاطر افزایش داده و سودها سرزنش کرده. امشب، اکانت رسمی لینگهو تی‌وی آمار سود و خرید کاربرها رو فاش می‌کنه و بهشون ضربه میزنه. هههه، فقط صبر کن تا یه نمایش خوب ببینی! حدس من اینه که پلتفرم‌هایی که

دراماتون رو نخریدن، کارد بزنی خونشون در نییاد! شما این و نمی‌دونید، اما تعداد کاربرای ثبت نام شده لینگ‌هو توی چند روز گذشته، صدها هزار نفر افزایش پیدا کرده. همه اینا ناشی از اوریگامی افسانه‌ایمونه!»

آقای لیو نمی‌توانست صبر کند تا زودتر ران پی شاوزه را بغل کند² و خودش را با استفاده از او بالا بکشد. با توجه به این دراما، پاداش پایان سال او احتمالاً دو برابر می‌شود! به عنوان چهارمین پلتفرم بزرگ پخش در چین، لینگ‌هو تی‌وی عجله داشت تا کاربران را از سه رتبه برتر جذب کند. سکوی آنها دیر شروع شد و قدرت سرمایه پشت آنها به اندازه سه نفر اول قوی نبود. دراما های بزرگ رسمی اغلب قابل درک نیستند. به طور غیرمنتظره‌ای، یک درامای مدرسه ای ناشناخته با تنها 20 قسمت شیرین، تأثیر وحشتناکی خواهد داشت! بسیاری از افراد برای خرید اوریگامی در لینگ‌هو ثبت نام کردند. بالاخره یک سیستم انحصاری بود. آنها فقط اگر می‌خواستند آن را تماشا کنند، می‌توانستند آن را از لینگ‌هو تی‌وی بخرند. دقیقاً به همین دلیل بود که کاربران فعال لینگ‌هو طی چند روز گذشته از پلتفرم رتبه سوم فراتر رفته و به رتبه دوم یعنی چین‌چیلای تی‌وی نزدیک شده بودند! مدیران لینگ‌هو شوکه شدند. این یک معجزه بود. آنها داشتند قدرت سرمایه گذاری وحشتناک پی شاوزه را تجربه می‌کردند!

² با چاپلوسی بچسبه بهش تا خودش و بالا بکشه.

در پنجمین روز پس از پایان پخش اوریگامی، لینگ هو تی وی پوستری را منتشر کرد. [درآمد بیش از 35 میلیون یوانی اوریگامی رو تبریک میگیریم!]

در چند ساعت کوتاه پس از تماس آقای لیو، آنها 5 میلیون اضافی سود دریافت کردند. همکارانش در بخش تبلیغات لینگ هو به تازگی پوستر را برای «بیش از 30 میلیون» آماده کرده بودند که رئیس با تماس اضطراری و هیجان زده به او گفت: «35 میلیون شده! سود افزایش داشته! سریع پوستر و عوض کنید!»

بخش تبلیغات برای فتوشاپ اضافه کاری کردند و ساعت 8 شب پوستر را به موقع منتشر کردند.

پلتفرم های دیگر: «.....»

[این تقلبه... نه؟ هزینه اشون به این زودی جبران شد؟]

در مقایسه این با روش پیش خرید. شاید ده ها میلیون دریافت کرده باشند اما صدها میلیون سرمایه گذاری کرده بودند! علاوه بر این، اوریگامی در روزهای اخیر پیشرفت زیادی کرده بود. بعد از گرفتن رتبه شماره یک در تعداد بازدیدهای روزانه، به نظر نمی رسید که سقوط کند...

او واقعا به شدت تاج و تخت را تصرف کرده بود!

این خیلی وحشتناک بود. بسیاری از کاربران اینترنتی، روش پیش خرید را دنبال کردند. آنها تا می دیدند که این سریال در رتبه بندی شماره یک است، نمی توانستند از روی کنجکاوی

روی آن کلیک نکنند. تا زمانی که اوربگامی بتواند برخی از کسانی که عضو شده اند را نگه دارد، این بینندگان به کاربران پولی و حتی اعضای طولانی مدت لینگ‌هوتی‌وی تبدیل می‌شوند.

تمام پلتفرم‌های اصلی و درجه یک، تهدیدی جدی را احساس کردند. حال کوی جوئه به شدت گرفته بود. از زمان انتشارش در 10 ژوئیه و 20 روز جنگ مداوم، درامای گل‌ها در آینه و ماه منعکس شده در دریاچه ممکن است کمی افسرده و کسل کننده باشد، اما به طور پیوسته، جایگاه اول را در میان دراماهای تعطیلات تابستانی، به خود اختصاص داده بود. به طور غیر منتظره ای، اوربگامی در 6 آگوست، پنج روز پس از پایان پخشش، از آنها پیشی گرفت.

یک درامای مدرسه‌ای با سرمایه گذاری 10 میلیون یوان از یک درامای شیان‌شیا با سرمایه گذاری چند صد میلیون یوانی پیشی گرفت؟ توجه اخیر به دو تازه وارد درجه 18 واقعاً از خدمه و بازیگران درجه یک پیشی گرفته است؟ نرخ ماندگاری کاربران 80٪ و سود روزانه 70٪ بود. این داده‌های خیره کننده مانند یک سیلی محکم به صورت کسانی بود که پی شاوزه را رد کرده بودند!

بدیهی است که این دراما موفق است و با تعداد زیادی از کاربران اینترنتی روبرو شده است که به تبلیغ آن کمک می‌کنند. زمانی که با یک کلاغ و چهل کلاغ دراما تبلیغ شد، حتی خدا هم نمی‌توانست جلوی پیشرفتش را بگیرد!

کوی جوئه دندان هایش را با عصبانیت به هم فشار داد. چشمانش به شدت برق زد و سریعاً یک تماس گرفت: «شماها باید پیشرفت اوریگامی رو متوقف کنید. من نمیتونم عقب بشینم و اجازه بدم پی شاوزه‌ی نخاله از این فرصت استفاده کنه. برو و هر چی میتونی هیتر برام پیدا کن!»

همان زمان، پی شاوزه داشت به جدول تجزیه و تحلیل آمار لینگ‌هو نگاه می کرد. نرخ ماندگاری کاربران 70 درصد بود که واقعاً نسبت به سایرین رقبا با مدل پیش پرداخت واقعا عالی بود. ناگهان تلفنش زنگ خورد. او چنگ شیا بود و درخواست یک تماس ویدیویی را داشت.

پی شاوزه لپ تاپ را بست و تماس را برقرار کرد. همانطور که انتظار می رفت، پسری که واقعا دلش برایش تنگ شده بود، در مقابلش ظاهر شد. چنگ شیا واقعا خوشحال بود و لبخند درخشانی قفل لب‌هایش بود: «پی گه‌گه، من همین الان یکی از پوسترها رو از لینگ‌هو بازنشر کردم. سود خرید درامامون به 35 میلیون رسیده. این به اون معنا نیست که تو هزینه سرمایه گذاری رو پس گرفتی؟» او نگران محبوبیت خود نبود. او بیشتر نگران این بود که آیا پی گه‌گه‌اش پولش را از دست داده یا نه.

قلب پی شاوزه گرم شده بود و نمی توانست جلوی لبخندش را بگیرد. «35 میلیون فقط شروع کاره. طی شش ماه آینده، درآمد بیشتری هم کسب می کنیم. این دراما یه مدت طولانی روی زبونا میوفته. سود نهاییش قطعاً فراتر از تصوراتت میره.»

«عالیه! ما اعضای گروه C، با افتخار از رئیس پی پیروی می‌کنیم!» چنگ شیا با لبخند

پرسید: «راستی، این چند وقت سرت خیلی شلوغ بود؟»

«آره. الانم می‌خوام از تبلیغات شفاهی استفاده کنم و تبلیغات بعدی رو انجام بدم... قضیه

چییه؟»

چنگ شیا زمزمه کرد: «هیچی. من... من فقط یه ذره دلم برات تنگ شده.»

قلب پی شاوزه لرزید. این صداقت دوست داشتنی چنگ شیا واقعاً قلبش را با زلزله‌های چند

ریشتری و تخریب کننده می لرزاند.

«از 8 ژوئن که برگشتی رونگ تا امروز که 7 آگوسته، 62 روز میشه که همدیگه رو

ندیدیم.» چنگ شیا جدی به مرد روی صفحه موبایلش گفت: «حتی هر شب خوابتو

می‌بینم...» وقتی این را گفت، خجالت زده به نظر می‌رسید و گونه‌هایش کمی قرمز شده

بودند.

«... فردا میام پیشت!» صدای پی شاوزه کم بود. «دل منم خیلی برات تنگ شده.»

«.....» شش کلمه‌ای که با صدای گرفته و س.ک.سی آلفا گفته شده بود، تقریباً

گوش‌های چنگ شیا را حمله کرد. تنها با شنیدن این صدای خمار، هزاران صحنه +25 سال

درون مغزش رژه رفتند و چهره چنگ شیا هر لحظه داغ‌تر و سرخ‌تر از قبل می‌شد. او با عجله

بحث را عوض کرد و گفت: «اگه یهو بیای یائان، کارت عقب نمیوفته؟»

«عجله‌ای نیست. من با خبرنگارای رسانه‌ها همونجا تماس میگیرم و تلفنی باهاشون مصاحبه می‌کنم.» پی شاوزه لحن ملایمی داشت: «دیگه دیروخته. زودتر برو بخواب و قشنگ استراحت کن. توی طول روز میام پیشت.»

«همم. شب بخیر، پی گه‌گه.» چنگ شیبا با اکراه موافقت کرد و منتظر ماند تا پی شاوزه تلفن را قطع کند. او می‌خواست منتظر بماند تا پی شاوزه قطع کند؛ اما پی شاوزه هم منتظر بود که چنگ شیبا تماس را پایان دهد. حتی پس از خداحافظی هم هیچ یک گزینه قطع تماس را فشار ندادند و در عوض به یکدیگر خیره شدند.

معلوم نبود که چقدر گذشته بود تا اینکه پی شاوزه قهقهه‌ای آرام زد: «خب اوکی اول تو قطع کن.»

چنگ شیبا کمی سرخ شد: «ب..باشه!» او به سرعت تماس را قطع کرد و به رختخواب رفت. او به این فکر می‌کرد که فردا پی گه‌گه به دیدنش می‌آید و از شیرینی این فکر، قلبش پر از احساسات شیرین شد. پس چشمانش را بست و پس از خیال پردازی‌هایی طولانی، به خواب رفت.

پی شاوزه پرواز را برای ساعت 10:30 صبح رزرو کرده بود و امیدوار بود که زودتر او را ببیند. در خواب، تعداد زیادی پرتقال گرد در آغوش پی شاوزه فرو رفت و بوی شیرین پرتقال، احاطه‌اش کرده بود. روز بعد که از خواب بیدار شد، حال بسیار خوبی داشت. ریشش را در مقابل آینه تراشید، خودش را مرتب کرد و از عمو ژونگ خواست تا او را به فرودگاه برساند.

زمانی که او رسید، کارگردان شو در حال فیلمبرداری صحنه ای بود و در این صحنه، شو زیانگ و پروفیسور لین بالاخره سرنخی از یک گربه مرموز پیدا کرده بودند. چنگ شیا گربه ای را در آغوش گرفته بود و بسیار خوشحال به نظر می رسید. اولین کسی که پی شاوزه را دید، پی شائویان بود. او بلافاصله بلند شد و فریاد زد: «رئیس پی اینجاست!»

اطرافیان پی شاوزه با او احوال پرسی کردند. «رئیس پی!»

«از آخرین دیدارمون خیلی وقته گذشته!»

پی شاوزه به آنها سر تکان داد و به سمت چنگ شیا رفت. چنگ شیا سرش را بلند کرد. نگاهش در چشمان مرد قفل شد و آنها در میان جمعیت، تشنه به یکدیگر خیره شدند. آنها فقط دو ماه بود که از هم جدا شده بودند، اما حسرت عمیق این دوری، باعث شد که احساس کنند برای مدت طولانی و طاقت فرسایی از هم جدا شده اند.

چنگ شیا می خواست فوراً به آغوش مرد هجوم ببرد و او را محکم ببوسد. با این حال، افراد زیادی اطراف آنها بودند. بنابراین؛ او فقط می توانست مودبانه بگوید: «رئیس پی...»

پی شاوزه به سمت مرد جوان رفت. او می خواست دستش را دراز کند و سر امگایش را نوازش کند. اما در پایان، به آرامی سر گربه را لمس کرد و از چنگ شیا پرسید: «این گربه از کجا اومده؟ خیلی کیوته.» 'البته نه به کیوتی تو.'

چنگ شیا لبخند زد. «این گربه کارگردان شوئه. اون این گربه رو برای فیلمبرداری آورده و این گربه، الان حیوون خونگی کل تیم شده.»

گربه کوچک به راحتی توسط پی شاوزه لمس شد و از درون آغوش چنگ شیا میو کرد.

پی شاوزه از کارگردان شو پرسید: «گربه شماست کارگردان شو؟»

کارگردان شو توضیح داد: «خیلی از سرنخ‌ها توی این دراما مربوط به یه گربه‌ان. نگران بودم

که گربه مناسبی برای همکاری توی فیلمبرداری پیدا نکنم. پس خال‌خالی فسقلی و دلبر

خودم و آوردم.»

اطرافیان‌ش با شنیدن این حرف خندیدند. بازی خال‌خالی واقعا خوب بود. «ههههه. این گربه

سلطان بازیگربه!»

«حتی با یه دستور کارگردان شو، اون مطیعانه به دوربین نگاه می‌کنه و هر کاری بگه انجام

میده!»

چنگ شیا هم لبخند زد. «اوهوم! توی فسقلی خیلی تو بازیگری و حس‌گیری خوبی. مگه

نه؟»

گربه‌ای که در آغوشش بود، تایید کرد که موافق است و آرام میومیو کرد. این صحنه که

چنگ شیا گربه را در آغوش گرفته بود، بسیار چشم‌نواز بود. این پسر واقعا مهربان بود.

جو میان اعضای تیم عالی بود و پی شاوزه واقعا خیالش راحت شده بود. تمام مدتی که از

چنگ شیا دور بود، حداقل چنگ شیا با تیم کنار آمده بود و حتی یک حیوان خانگی بامزه هم

برای همراهی چنگ شیا بود. او از پی شائویان پرسید: «در مورد چیزایی که از کارگردان شو

و تهیه‌کننده شو یاد گرفتی چطور؟»

پی شائویان با عجله صاف ایستاد. «من خیلییی چیزا یاد گرفتم و میدونم که تهیه کننده یه دراما باید چه کار کنه. کارگردان و شو جیه جیه خوب ازم مراقبت کردن!»

شو جیه جیه، تهیه کننده لینهوا فیلم گفت: «رئیس پی، دستیار شما خیلی باهوشه و سریع یاد میگیره.»

پی شاوزه با رضایت سری تکان داد: «خوبه. وقتی من اینجا نبودم همه سخت کار کردن. امشب شما رو به یه شام مفصل دعوت می کنم.»

صدای تشویق از همه طرف به گوش می رسید.

پی شاوزه سالن بوفه هتل بین المللی یائان را رزرو کرده بود و اعضای تیم می توانستند هر چه می خواهند بخورند. در هنگام شام، کارگردان شو ابتکار عمل را به دست گرفت و گفت: «رئیس پی، من بازی چنگ شیا رو توی درامای اورپگامی دیدم. اون واقعاً خیلی خوبه و دراما هم عالی بود. می شه اون و اسب تیره سال دونست. شما لینگهو رو انتخاب کردید و سهم سود بی سابقه ای برای یه درامای کوتاه ساختید. شما واقعاً با استعدادید.»

تهیه کننده شو نیز از او تمجید کرد. «منم این دراما رو دیدم. این در واقع نفیس ترین دراما بین تمام دراماهای تعطیلات تابستونیه. 20 قسمته، بدون تعلله و ریتم خیلی خوبی هم داره. رئیس پی، این اولین باری بود که سرمایه گذاری می کردی و تونستی همچین درامای خفنی تولید کنی. من سال هاست تهیه کننده ام و اونقدرها هم خوب نیستم. من احساس شرمندگی می کنم.»

پی شاوزه فکر کرد: 'خب به این دلیل که من سالها تجربه تهیه کنندگی حرفه‌ای رو توی یه دنیای دیگه داشتم.'

چه از سر صداقت باشد و چه از سر چاپلوسی، اطرافیانش به خود می‌بالیدند که رئیس پی آینده‌نگری دارد و اوریگامی عالی ساخته شده است. چنگ شیا در قلبش احساس غرور می‌کرد. آلفایی که دوستش داشت، واقعا عالی بود...

پی شاوزه سرش را برگرداند و نگاه نرم چنگ شیا را دید که شبیه یک "فن بوی کوچولو" بود و قلبش را بی‌قرار می‌کرد.

آنها مدت زیادی بود که یکدیگر را ندیده بودند و چنگ شیا کمی وزن کم کرده بود. او باید برای فیلمبرداری این دراما خیلی سخت کار کرده باشد. فیلمبرداری یک دراما کوتاه 12 قسمتی در واقع خیلی طول کشید. این نشان می‌داد که کارگردان شو چقدر سختگیر بود. بسیاری از صحنه‌ها چندین بار فیلمبرداری شده بودند. چنگ شیا صحنه‌های زیادی در دراما داشت و باید خیلی خسته شده باشد.

وقت آن رسیده بود که یک جایزه به او بدهد. پی شاوزه نگاهی به شو ژنگ انداخت. «کارگردان شو، من می‌خوام فردا چنگ شیا رو قرض بگیرم. فردا برای تبلیغ اوریگامی چند تا مصاحبه ترتیب دادم. می‌تونید برنامه خدمه رو تغییر و به چنگ شیا یه روز مرخصی بدید؟»

کارگردان شو در مورد آن فکر کرد: مشکلی نیست. فردا می‌تونیم فیلمبرداری رویارویی شخصیت شرور و پروفیسور لین رو تموم کنیم و پس فردا می‌شه از صحنه‌های چنگ شیا فیلمبرداری کرد. کار دراما دیگه داره به آخراش می‌رسه و من عجله‌ای ندارم.»

پی شاوزه مودبانه گفت: «ممنون کارگردان شو.»

او با لحنی رسمی به چنگ شیا گفت: «چنگ شیا، لطفا فردا باهام بیا تا با خبرنگارا مصاحبه کنیم.»

چنگ شیا جدی سر تکان داد: «چشم رئیس پی!»

پی شائویان، «...»

برادر بزرگترش و چنگ شیا باری دیگر به او محل سگ هم ندادند.

مترجم: خوشحال میشم اگه نظری دارید توی تلگرام باهام در ارتباط باشید: @itshuaxie

برای اخبار آب‌چیت‌های جدید چنل زدم و خوشحال میشم حمایت کنید . https://t.me/BL_Novel_Archive

